



پنجوهای پک

گفت و گوئی درباره حجاب

آیا با این همه عواقب دنیوی و اخروی برای خود باز هم باید تصور کنیم که «اقل» هستیم و از تمدنی که غرب برای ما به ارمغان آورده عقب مانده ایم؟!

باید پرسید چرا از تمدن همین بی حجابی را که مقدمه بی بند و باری است، برای ما به ارمغان می آورند و ما نیز متأسفانه ناآگاهانه مقلد و بی قید و شرط مدحا و نستخه های آن ها می شویم. چرا نباید از علم آنان تقلید کرد و در صنعت پیشرفت کرد و خود را از استعمار نجات داد؟!

ما باید سعی کنیم در زندگی خود مثل ماهی شناگر باشیم یعنی جا و مکان خود را خود انتخاب کنیم و راه درست و امواج آب ما را به هرسو نبرد. نباید بگذاریم محیط و ... برای ما تصمیم بگیرد و مد انتخاب کند و حتی نوع رفتار و حرف زدن ها را از قبل رقم بزند ... و با این کارها هویت ملی و اسلامی ما را به ابتذال بکشند تا از خود اصول و مبادی و فلسفه ای ارزشمند نداشته باشیم. به بیان دیگر هدف دشمنان ایجاد استعمار فکری است که به گفته شهید مطهری (ره) خطرناکتر از انواع دیگر استعمار است؛ چون در این نوع استعمار، شخص مثل دشمن، فکر می کند و مانند او می بیند و اصلاً هم احساس نمی کند که استعمار زده شده است. به طرف آن که می درد، می دود. ارزش استقلال فکری و اعتماد و اعتقاد به فلسفه زندگی خود و احترام به سنن و نظامات خود، از علم بالاتر است. ملت عالم ممکن است در ملت دیگر هضم شود، ولی ملتی که احساس شخصیت و استقلال می کند، قابل هضم نیست. (۴)

البته در مطالب مربوط به وظیفه هر شخص در مورد خود، بیان شد که تفکر و اعتقادش باید چگونه باشد تا در فرهنگ هضم یگانه نشود؛ ولی این بدان معنا نیست که حکومت اسلامی و حتی افراد جامعه اسلامی در برابر شایع شدن گناه و وظیفه ای ندارد؛ بلکه برعکس مهم ترین وظیفه بر عهده حکومت اسلامی است و این همه قوانین مجازات و ترمیمات اسلامی باید در برابر افراد مختلف صورت گیرد و حتی قانون برای زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر می شوند، مجازات حبس و جزای نقدی معین کرده. (۵) همچنین مسلمانان موظف به انجام امر به معروف و نهی از منکر هستند و این در رساله های عملیه ما بیان شده (۶) لذا تا حد امکان هم حکومت و هم ملت در جلوگیری از شیوع گناه نقش مؤثر دارند و باید وظیفه خود را انجام دهند و در صورت کوتاهی باید در مقابل خداوند متعال پاسخگو باشند.

پی نوشت ها:

۱. سورة ابراهيم، آیات ۲۱ و ۲۲.
۲. کتاب داستان راستان از استاد مطهری، ج ۲، ص ۵۳.
۳. کتاب تندیس اخلاص از محمد محمدی ری شهری، ص ۸.
۴. کتاب «حماسه حسینی» ج ۳، ص ۳۲۶.
۵. کتاب «قانون ترمیمات و مجازات های بازدارنده از احمد حقانی در فصل «جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی» در تبصره ماده ۳۸ ص ۷۱ این مطلب صریحاً ذکر شده (چاپ اول از انتشارات مؤسسه فرهنگی آفرینه) مصوب مرداد ۱۳۷۵.
۶. رساله امام خمینی (ره) در قسمت ملحقات از مسئله ۲۷۸۶ تا ۲۸۷۵.

سؤال: وقتی در محیط و جامعه ما اکثرأ بدحجاب و آرایش کرده هستند، اگر ما به صورت ساده و با حجاب در میان آن ها حاضر شویم، خجالت می کشیم و مورد تمسخر واقع می شویم و ما را «اقل» خطاب می کنند؛ پس محیط و جامعه هم مقصر است و ما را تشویق به بی حجابی و بدحجابی می کند.

پاسخ: البته نقش محیط را نمی توان نادیده گرفت، ولی محیط نمی تواند انسان را مجبور به گناه کند. بله، شیطان از این طریق می تواند انسان را وسوسه کند، ولی اختیار و انتخاب با خود انسان است و با اراده خود می تواند راه درست را پیش بگیرد و عمل کند. اگر محیط و شیطان و وراثت و تعلیم و تربیت و ... می توانستند از انسان سلب اختیار کنند و موجب عمل گردند، دیگر بهشت و جهنم و معاد و قیامت معنا نداشت.

جالب اینکه قرآن کریم پاسخ شیطان را به افرادی که علت گناه کردن خود را به گردن او می اندازد، خیلی زیبا «روزی که مردم از قبرها برانگیخته و به پیشگاه خدا حاضر شوند، در آن روز ضعیفان به گردن کشان گویند: ما در دنیا تابع رای شما بودیم، آیا امروز شما هم از عذاب خدا ما را کفایت خواهید کرد؟ ... و چون حکم به پایان رسید (و اهل بهشت از اهل دوزخ جدا شدند) در آن حال شیطان گویند: خدا به شما به حق و راستی وعده داد و من به خلاف حقیقت و بر شما هیچ حجت و دلیل قاطعی نیاوردم (و تنها شما را به وعده های دروغی فریستم) پس امروز شما که سخن بی دلیل مرا پذیرفتید، مرا ملامت مکنید، بلکه نفس پرطمع خود را ملامت کنید که امروز نه شما فریادرس من توانید بود و نه من فریادرس شما. من به شرکی که شما به اغوای من آوردید، معتقد نیستم، آری در این روز ستمکاران عالم را عذاب دردناک خواهد بود.»

کار شیطان فقط در حد وسوسه است و انسان با اراده و اختیار خود می تواند در برابر عوامل گناه ایستادگی کرده و راه درست را برود؛ ولی اگر نفرت، به خود ستم و ظلم کرده و جزء ظالمین می گردد و عذاب الهی شامل حالش خواهد شد. البته هر قدر این عوامل (شیطان، محیط، وراثت...) قوی تر عمل کنند، کار مبارزه انسان با عوامل منحرف کننده مشکل تر خواهد بود، اما در عوض این انتخاب و عمل او نیز نزد خدا ارزشمندتر است و باعث قرب بیشتر او به خداوند متعال خواهد بود.

این عوامل در تمام زمان ها و دوران ها و جوامع بوده و می باشد و این خود از آزمایش های الهی محسوب می گردد؛ لذا خداوند در قیامت افرادی را می آورد و به وسیله آن ها بر ما احتجاج می کنند که فلان انسان هم شرایط شما را داشت (و شاید بدتر از آن) و در موقعیتی بدتر قرار داشت ولی گناه نکرد، افرادی مانند ابن سیرین ها (۷) و رجبعی خیاط ها (۸) ... آری، محیط انسان را مجبور به کاری نمی کند، هر چند که تشویق و تحریک می کند.

در همین دنیا هم این گونه کارها برای ما خوشبختی نمی آورد. بعضی از مردانی که به سراغ زنانی می روند که زیبایی های جسمی خود را در دید و استفاده نامحرم قرار می دهند، معیاری جز زیبایی و ارضاء هوس خود ندارند و این زیبایی هم به هرحال تا چندسال دیگر کم خواهد شد.



اول یک پیشنهاد!

جریان این جمله خیلی مفصله. فقط همین قدر بدونیم که من این جمله رو قاب گرفتم و به دیوار اتاقم نصبش کردم! پیشنهاد می کنم شما هم این کارو بکنین:

« از میان کتاب های آن هایی را امانت بده که بازگشت دوباره شان برایت اهمیتی نداشته باشد.»

«جکسون براون»

جدی بگیرید!

چندبار اتفاق افتاده که ذهنت جرقه بزنه؟ چندبار اتفاق افتاده که این جرقه ها رو روی کاغذ بنویسی و ... یا نه اصلاً ننویسی. همین جوری مچاله شون کنی و اون ها رو دور بریزی؟ چندبار اتفاق افتاده که فکرهای خودتو جدی بگیری؟! می دونی چرا این سؤال ها رو می پرسیم؟ واسه اینکه به ضرب المثل هلندی می گه:

«هر انقلابی اول به صورت یک فکر کوچک در ذهن یک نفر پدید آمده است»

تذکر: یک نفر (که به دلائل آبرویی نمی خواهد اسمش فاش شود) می گوید: بنویس اگر آدمش تو باشی همان بهتر که آن فکر را بریزی دور!

دیوانه واقعی!

و این هم یک راه حل خوب، برای یک مشکل بزرگ:

«زمانی که کتابی را می خوانی و حس می کنی که نویسنده اش دیوانه است؛ احتمال دارد یکی از شما دو نفر دیوانه باشید، مهم این است شخص بداند دیوانه واقعی چه کسی است؟»

«چارلز سترینگ»

تذکر (باز همان یک نفر): البته اگر زیاد اهل مطالعه باشی و به کمی هم ضرب و تقسیم بلد باشی و آمار بگیری، این مشکل رو بهتر حل می کنی!!!

مهم این است که ستاره باشی!

این جمله رو می نویسم برای اون هایی که بیشتر مواقع از قضاوتشون درباره آدم ها پشیمون می شن!

«به خاطر داشته باشید درباره اشخاص، قضاوت زودهنگام نکنید. بعضی ها دیر به راه می افتند، با این حال ستاره می شوند.»

تذکر (و باز همان یک نفر): باز هم گلی به گوشه جمال اون هایی که اگر دیر شده، لااقل راه می افتن، ولی تویی که اصلاً راه نیافتادی چی؟ (و اینجاست که از دست آن یک نفر عصبانی می شوم و تهدیدش می کنم که اگر همین طور بخواهد ادامه بدهد نامش را فاش می کنم! او هم از ترس آبرویش دست از سرما بر می دارد!)

وجدان درد!

اگه به حساب سرانگشتی بکنی؛ اگه سال ها و روزها و ساعت های زندگی تو کنار هم ردیف کنی؛ به چه نتیجه ای می رسی؟

«من فقط برای شادی به دنیا نیامده ام، آمده ام کارهای بزرگ انجام بدم»

تذکر: جای آن یک نفر خالی، اگر بود، حتماً می گفت: وجداناً درست حساب کنی تا شب موقع خواب به وجدان درد مبتلا نشوی!